

ارزیابی سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در پیشگیری کیفری از جرایم مواد مخدر با تاکید بر مجازات اعدام

عباسعلی اکبری^۱ و سالار صادقی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۳

چکیده

زمینه و هدف: سیاست قانونگذار ایران برای پیشگیری از جرائم مواد مخدر همواره مبتنی بر پیشگیری کیفری و سرکوب‌گرانه بوده است به نحوی که در تعیین مجازات‌ها به میزان قبح اجتماعی عمل، شخصیت مرتکب، کرامت انسانی، نوع جرم و موازین حقوق بشری که از معیارهای متناسب‌سازی مجازات است، توجه نشده است؛ ضمن این‌که مجازات اعدام در عمل موجب پیشگیری از جرائم مواد مخدر نشده است. بنابراین پژوهش حاضر به منظور ارزیابی سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در پیشگیری کیفری از جرائم مواد مخدر با تاکید بر مجازات اعدام انجام شد.

روش: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر نوع پژوهش، توصیفی - تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مطالب آن جمع‌آوری شدند.

یافته‌ها و نتایج: پژوهش حاضر با نگاهی انتقادی به سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران و سایر کشورها، به این نتیجه رسید که سیاست پیشگیرانه کیفری مقنن در سال‌های گذشته به لحاظ خروج از تناسب و اعتدال، در عمل موفق نبوده و حتی موجب تضعیف مشروعیت مجازات اعدام شده است. قانون‌گذار در سال ۹۶ با اینکه در الحاقیه ماده ۴۵، در راستای کاهش این آسیب‌ها گام‌های موثری برداشته است، اما به نظر می‌رسد بازبینی مجدد در موضوع‌های باقیمانده مجازات اعدام و توسل به جایگزین‌های مناسب، ضروری است.

کلیدواژه‌ها: سیاست جنایی، اعدام، پیشگیری، بازدارندگی، مواد مخدر.

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. آذربایجان شرقی. ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: ali_akbari@yahoo.com

۲. دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. آذربایجان شرقی. ایران. رایانامه: Salar.n1371@gmail.com

مقدمه

با توجه به فراملی بودن و سازمان یافته بودن جرائم مواد مخدر و تلقی آن به عنوان جرم بین المللی قراردادی، صدور کنوانسیون های متعدد منطقه ای و جهانی از طرف سازمان ملل به ویژه کنوانسیون ۱۹۸۸ و الحاق ایران به آن، بسیج جهانی برای مبارزه تمام عیار با جرائم مواد مخدر به لحاظ قبح اجتماعی آن در سطح ملی و جهانی، تأسیس ستاد مبارزه با مواد مخدر، تصویب سیاست های کلی مبارزه با مواد مخدر در سال ۸۵ و دیگر مقررات موجود، می توان گفت که تدوین و اجرای سیاست جنایی به معنای وسیع آن به صورت جامع و در سطح کلان در مبارزه با پدیده شوم مواد مخدر، مدنظر دولت ایران بوده و هست.

اصطلاح «سیاست جنایی»^۱ که بیشتر به پروفیسور آلمانی فویرباخ (در سال ۱۸۰۳) نسبت داده می شود در مفهوم مضیق آن مترادف با «سیاست کیفری»^۲ بوده و شامل «مجموعه شیوه های سرکوبگر می شود که دولت به وسیله آن در مقابل جرم واکنش نشان می دهد» (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۲۳). با وجود این، امروزه شاهد بسط سیاست جنایی در معنای وسیع آن هستیم که عبارت است از «مجموعه روش هایی که هیئت اجتماع^۳ (دولت و جامعه) با توسل به آنها پاسخ های^۴ خود را به پدیده مجرمانه^۵ سازمان می بخشد» (دلماش مارتی، ۱۳۸۱، ص ۲۳). پیشگیری کیفری مجموع تدابیر و اقداماتی است که از طریق اجزای نظام عدالت کیفری برای حذف یا کاهش خطر جرم انجام می شود و مبتنی بر تنبیه و مجازات است (محمدنسل، ۱۳۹۳، ص ۱۷۰). پیشگیری غیر کیفری از جرائم مواد مخدر که تحت شمول مباحث جرم شناسی و مفهوم عام سیاست جنایی قرار دارد از موضوع بحث این مقاله خارج است.

1. Criminal Policy

2. Penal Policy

۳. هیئت اجتماع برگردان Corps Social است که خانم دلماش مارتی آنرا به منظور افاده معنای موسع شامل مجموعه «دولت» و «جامعه مدنی» به کار برده است.

4. Responses

5. Criminal Phenomenon

با اینکه حقوق کیفری (سیاست کیفری^۱) به لحاظ دولتی بودن آن همواره نقش محوری در سیاست جنایی ایفا می‌کند، ولی سیاست جنایت امروزی به معنای وسیع خودش تحت تأثیر یافته‌ها و آموزه‌های جرم‌شناسی و حقوق بشری در حال فاصله گرفتن از سیاست کیفری محض است (اکبری، ۱۳۹۳، ص ۱۰۱). در این راستا مجازات اعدام یکی از شدیدترین ابزار سیاست کیفری در مبارزه فراگیر با جرائم مواد مخدر در ایران و بعضی از کشورهای دیگر^۲ هست. پرسش اصلی مقاله حاضر این است که پیشگیری کیفری از جرائم مواد مخدر از منظر سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران چگونه ارزیابی می‌شود و ایرادات و نقاط ضعف آن چیست؟ و مجازات اعدام به عنوان شدیدترین ابزار پیشگیری کیفری، از منظر تناسب جرم با مجازات چگونه توجیه می‌شود.

بر این اساس، مقاله حاضر در پنج مبحث ۱. جایگاه پیشگیری کیفری در سیاست جنایی تقنینی؛ ۲. نگاه تطبیقی به سیاست جنایی تطبیقی در قبال مواد مخدر؛ ۳. جایگاه پیشگیری کیفری در سیاست جنایی قضایی؛ ۴. جایگاه اصل حتمیت و قطعیت مجازات در پیشگیری کیفری و ۵- ضرورت توسل به جایگزین‌های مجازات اعدام به رشته نگارش در آمده است. **سیاست جنایی تقنینی در پیشگیری کیفری از مواد مخدر:** سیاست جنایی تقنینی، سلیقه قانون‌گذاران مختلف و انتخاب‌های آنان در انواع جرائم و مجازات و به‌طور کلی نحوه مقابله با پدیده مجرمانه و دادرسی جرائم است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹، ص ۱۶). در ایران با توجه به مقررات جرائم مواد مخدر می‌توان گفت متولی و مرجع اصلی سیاست‌گذاری در این خصوص مجمع تشخیص مصلحت نظام است. مجمع تشخیص مصلحت نظام در ماده ۴۵ اصلاحیه سال ۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر، اختیار اصلاح این قانون را به مرجع عام

1. Penal Policy

۲. حدود ۲۲ کشور در دنیا برای قاچاق مواد مخدر، مجازات اعدام تعیین کرده‌اند. این کشورها عبارت‌اند از: ماوریتئوس، برونئی دارالاسلام، برمه، چین، هند، اندونزی، کره جنوبی، مالزی، سنگاپور، سریلانکا، تایوان، تایلند، ترکیه، الجزایر، بحرین، مصر، عراق، سوریه، امارات متحده عربی، ایالات متحده آمریکا و ایران (کاظمی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۲).

قانون گذاری (مجلس شورای اسلامی) داده است و این مهم، نقطه عطفی است در راستای جرم‌انگاری اصولی مبتنی بر افکار عمومی که مجلس آن را نمایندگی می‌کند.

قانونگذار به منظور پیشگیری کیفری از هر جرم کم‌اهمیتی، نباید به ابزارهای کیفری شدید متوسل شود و باید در وضع قانون و تعیین مجازات برای گروه‌های خاص مجرمان، اهداف مداخله را از قبل مشخص کرده و طیفی از مجازات‌های متنوع برای انطباق با شرایط خاص هر جرم در دسترس گذاشته و ویژگی‌های تابعان قانون را در جرم‌انگاری و تعیین مجازات در نظر داشته باشد (فرجیها و فروزش، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، ص ۷۶). ظرفیت‌ها و ابزارهای قانونی در ایجاد تناسب بین جرائم و مجازات‌ها در مرحله تقنین و دادرسی بیشتر شامل تخفیف، تشدید، تعیین کمینه و بیشینه مجازات‌ها و اختیارات قضات دادگاه است.

گفتنی است که استفاده از مجازات، که ابزار اصلی پیشگیری کیفری است، زمانی ضرورت پیدا می‌کند که برای دفاع از آزادی و حیثیت دیگران یا حفظ نظم عمومی و پیشگیری از بزهکاری مفید و موثر باشد. افزون بر آن، مجازات باید عادلانه و منصفانه باشد. بر این اساس، در وهله اول باید اذعان کرد که مردم حق دارند مجازات نشوند.

افراد حق دارند موضوع برخوردهای سخت و بدنام‌کننده از سوی دولت قرار نگیرند. آنچه در مداخله کیفری رخ می‌دهد پایمال شدن حق بر مجازات نشدن است و از این رو برای دارنده آن این حق ایجاد می‌شود که چه دلیلی، زیرا یا گذاردن حق وی را توجیه می‌کند. قانونگذار باید بتواند در هر مورد از موارد تحمیل ضمانت اجرای کیفری، بگوید که نقض آن قانون شایسته سرزنش بوده است (محمودی جانکی و روستایی، ۱۳۹۲، ص ۵۰).

نامتناسب بودن مجازات: علت اصلی ممنوعیت مجازات‌های نامتناسب در نظام بین‌المللی و همچنین نظام‌های حقوقی داخلی، ممنوعیت استفاده ابزاری از انسان و احترام به حیثیت و کرامت ذاتی اوست. نگاهی گذرا به قانون مبارزه با مواد مخدر، بیانگر این واقعیت است که قانونگذار بیشتر با در نظر گرفتن فایده اجتماعی مجازات به وضع این قبیل قوانین و مقررات شدید و خشن پرداخته و طبیعت و اهمیت جرم ارتكابی و میزان صدمه و ضرر و

زیان ناشی از آن را در نظر نگرفته است. همچنین تاریخ تحولات حقوق کیفری و مطالعات میدانی و تجربی در جرم‌شناسی و کیفرشناسی بیانگر آن است که سیاست پیشگیری از جرم با تشدید مجازات به خصوص مجازات‌های بدنی و سالب آزادی (حبس) محکوم به شکست است (حبیب‌زاده و رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷، ص ۱۱۶-۱۱۸). بنابراین پیشگیری کیفری بدون فایده اجتماعی آن. پذیرفته نیست. پیشگیری کیفری تقنینی درباره جرائم مواد مخدر به استثنای پدیده اعتیاد، بیشتر مبتنی بر شدت و تناسب نداشتن مجازات‌ها نظیر اعدام و حبس ابد است. قانون‌گذار خواسته یا ناخواسته با وضع مجازات‌های سنگین و شدید، سیاست جنایی صفر مداراگرایانه^۱ یا بدون تسامح را در پیش گرفته است ولی نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که اهداف مدنظر حاصل نشده است.

در یک دسته‌بندی کلی می‌توان از شدت جرم و تقصیر متهم به عنوان معیارهای کلی تناسب سخن به میان آورد. درباره شدت جرم می‌توان به عرف و عادت و فرهنگ یک جامعه و میزان احترامی که برای ارزش‌های مورد حمایت حقوق کیفری قائل است مراجعه کرد و درباره تقصیر می‌توان از معیارهای حقوق کیفری ماهوی بهره برد (وان هیرش^۲، ۱۹۹۸، ص ۱۸۶).

از منظر اسلام، مجازات برای زجر و عذاب گنهکار نیست بلکه برای تادیب و تهذیب اخلاق، ارتقاء به مدارج شریف و فضیلت، احترام به شخصیت، حیثیت و کرامت انسانی و تبادل برادری و دوستی است (احمدی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۱-۱۰۴). بنابراین در مجازات‌های اسلامی، این یک اصل است که مجازات باید با جرم متناسب باشد. یکی از مبانی حق بر مجازات نشدن، حق بر زندگی است. رعایت تمام عیار این حق حذف کامل مجازات اعدام

۱. روش «صفر مدارا یا سرکوب محض» ترجمه واژه لاتین Zero Tolerance است. روش یادشده که در اثر ازدیاد خشونت‌ها و ناامنی شهری در برخی از ایالت‌های آمریکا چون نیویورک بکار گرفته شده بود و نتایج مثبتی هم داشت، توسط برخی جرم‌شناسان فرانسوی ستایش شد؛ در این روش قانون‌گذار به پلیس و دیگر کارکنان نظام عدالت کیفری اختیار مبارزه سخت‌گیرانه و سرکوبانه داده بود به نحوی که باید گفت هیچ‌گونه تسامح و تساهلی در مبارزه با بزهکاران در نظر گرفته نمی‌شد.

2. Von Hirsch

و یا حداقل توسل به آن در مواقع اجتناب‌ناپذیر (شدیدترین جرائم) است. قبل از آنکه مجازات را با شدت جرم یا شخصیت مجرم متناسب کنیم باید تطابق آن با کرامت انسانی تأیید شود. سودانگاری و نیز سزادهی از نوع افراطی آن به مجازات‌هایی می‌انجامد که با شأن و کرامت انسانی مغایر است (نوبهار، ۱۳۸۰، ص ۳۲۶). سیاست کیفری قانونگذار در قانون مبارزه با مواد مخدر همواره مبتنی بر سرکوب، شدت مجازات‌ها و تناسب نداشتن آنهاست به نحوی که در تعیین مجازات‌ها به میزان قبح اجتماعی عمل، کرامت انسانی، موازین حقوق بشری و اصل عدالت که از معیارهای تناسب تلقی می‌شوند توجه کافی نشده است. وضع مجازات‌های اعدام و حبس‌های طولانی مدت، برای خیلی از این جرائم، حکایت از سیاست سرکوب و طرد مرتکبین آنها بدون توجه به تناسب و اهداف مجازات‌ها به خصوص اثر بازدارندگی آن می‌کند (اکبری، ۱۳۹۳، ص ۱۳). رعایت نکردن اصل تناسب بین شدت جرم و سنگینی مجازات، باعث انحراف از بازدارندگی مجازات‌ها به عنوان کارکرد اصلی خود خواهد شد؛ زیرا حتی مجرمانی که جرائم خفیف مرتکب می‌شوند کم‌کم به ارتکاب جرائم شدیدتر متمایل خواهند شد.

عادلانه نبودن مجازات: یکی از توجیه‌های اساسی مجازات، عادلانه بودن آن است و این مهم جز از طریق برقراری تناسب مجازات با جرم میسر و ممکن نخواهد بود. عدالت ماهوی در جرم‌انگاری و تعیین مجازات که از شئون قانونگذار تلقی می‌شود بر مبنای رعایت تناسب مجازات‌ها با جرائم، تطابق جرائم با میزان قبح اجتماعی آن و بالاخره فایده‌مندی مجازات‌ها ترسیم می‌شود با این وجود با توجه به مجازات‌های جرائم مواد مخدر، بی‌عدالتی ماهوی، کاملاً محسوس و مشهود است. شاید ایده سرکوب و تشدید مجازات‌ها در قانون مزبور ناشی از دیدگاه سنتی حاکمیت به مقوله مواد مخدر مبنی بر رعایت مصلحت و مبارزه با استعمار توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر شده است، ولی نباید از این مهم غافل شد که مقوله جرم و مجازات معطوف به عامل انسانی به نام بزهکار در کنار سایر بزهکاران است. عدالت خوب آن نیست که به شدت مجازات کند، بلکه آن است که به همه تبهکاران

پپردازد و کارایی مجازات، بیشتر با ترسی که ایجاد می‌کند اندازه‌گیری می‌شود تا با شدت آن (پردال، ۱۳۸۷، ص ۵۵ و ۷۱). نظریه‌هایی چون «اصالت سود و فایده اجتماعی» یا «مصلحت نظام» یا حتی نظریه «اصلاح بزهکار» نمی‌تواند مجوزی برای وضع و اعمال مجازات‌های نامتناسب باشد، زیرا براساس نظریه اصالت سود و حفظ مصلحت نظام، تفسیر عدالت به نفع نظام به سادگی امکان‌پذیر است. با این نظریه، حقوق بشر و اخلاق در پای مصلحت‌سنجی و فایده‌گرایی محض فدا می‌شود (وود، ۱۹۹۷^۱، صص ۲۰-۲۳).

بی‌توجهی به میزان قبح اجتماعی: اگر کیفردهی به‌عنوان یک مسئله در سطوح بالایی مدنظر مردم قرار نگرفته باشد و یا برای آنان موضوعی اهمیت‌دار تلقی نشود، افکار عمومی به معنای دقیق و صحیح در اطراف آن نمی‌تواند شکل بگیرد (محمودی جانکی و مرادی حسن‌آبادی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۵). چنانچه سیاست جرم‌انگاری و وضع مجازات با کرامت انسانی و افکار عمومی که قوه مقننه و همین‌طور قضات دادگستری متأثر از آن هستند، منطبق نباشد علاوه بر تحمیل هزینه‌های مادی و معنوی هنگفت بر جامعه، سرانجامی جز شکست و دوری از اهداف مجازات را نخواهد داشت (پیکا، ۱۳۷۰، ص ۱۰۲).

توجیه ممنوعیت جزایی بر مبنای حمایت از نظم عمومی افراد نمی‌توانند بدون توجه به خواست‌ها و ضرورت‌های افکار عمومی باشد؛ عمل جزایی باید از سرزنش عمومی برخوردار باشد و این سرزنش در میزان قبحی است که مردم جامعه برای آن عمل قائل می‌شوند، اگر دولت این احساس را داشته باشد که ممنوعیت یک عمل خاص برای حمایت از جامعه نیاز است باید با تکیه بر اقتناع افکار عمومی این امر را اجرا کند و این موضوع پیوندی جدی با نهادینه شدن حوزه عمومی دارد (فلاحی، ۱۳۹۴، ص ۲۳۰). یکی از مؤلفه‌های جرم‌انگاری، همسویی مجازات جرم با میزان قبح اجتماعی آن است تا اینکه عادلانه بودن مجازات و تناسب آن با جرم توجیه شود. چه بسا مجازات‌های ناهماهنگ با افکار عمومی، مورد اقبال مردم به ویژه قضات و دست‌اندرکاران موضوع خطیر مبارزه با مواد مخدر قرار نگیرد. اینجاست که

اهداف مقنن در مبارزه با جرائم مواد مخدر با شکست مواجه می‌شود. افکار عمومی به هیچ وجه قبح اجتماعی جرائم قتل عمد یا تجاوز به عنف را در مقایسه با فروش دو کیلو هروئین در داخل کشور که مجازات هر دو اعدام است به یک میزان بر نمی‌تابد. یکی از اصولی که همواره باید در وضع قوانین کیفری مدنظر قرار بگیرد این است که جرم‌انگاری، شدت و ضعف مجازات باید با میزان قبح اجتماعی عمل مجرمانه متناسب باشد، در غیر این صورت مجازات مقررده فاقد بازدارندگی کافی خواهد بود. افکار عمومی اعتقاد دارد که قبح اجتماعی جرائم مواد مخدر در مقایسه با خیلی از جرائم به مراتب پایین‌تر است و قانون‌گذار با وضع مجازات‌های سنگین برای جرائم مواد مخدر از این اعتدال تجاوز کرده است.

نگاهی تطبیقی به سیاست جنایی تقنینی در قبال مواد مخدر: از منظر تطبیقی در موضوع جرم‌انگاری مواد مخدر، در تعدادی از کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که صرف توجه به حربه کیفر در این مسیر راهگشا نیست. تصویب مجازات‌های شدید حتی می‌تواند موجب کاهش بازدارندگی آن شود. کشوری مانند هلند در این راستا به این سمت پیش رفت که برخی از مواد مخدر آرام و کم خطر به فضای شخصی فرد تعلق دارد و شری نیست که قانون بخواهد از آن جلوگیری کند. احترام به حریم خصوصی، اجتناب از برچسب زدن و احترام به تمایلات عمومی از عواملی است که هلند سیاست کیفری سخت‌گیرانه در مواد مخدر را کنار گذاشت (احسان‌پور و احسان‌پور، ۱۳۹۵، ص ۱۷۴-۱۸۴). در این کشور بیشینه حکم برای مالکیت مواد مخدر قوی، دوازده سال زندان و جریمه نقدی معادل صد هزار فلورن است. در صورتی که فرد بیش از یک بار مرتکب جرم شده باشد بیشینه مجازات‌ها ممکن است تا یک سوم افزایش یابد.

پرتغال کشور موفق دیگری است که سیاست تقنینی سخت‌گیرانه را در جرائم مواد مخدر کنار گذاشت و در سال ۲۰۰۱، اولین کشوری بود که از حمل و مصرف همه مواد غیرمجاز، جرم‌زدایی کرد. به جای بازداشت افراد به دلیل حمل مواد برای مصرف شخصی‌شان، پس از دستگیری به آن‌ها هشدار داده می‌شد، جریمه نقدی اندکی در نظر گرفته می‌شد یا از آن‌ها

خواسته می‌شد برای درمان، کاهش آسیب و بهره‌مندی از خدمات حمایتی در یک کمیسیون محلی (متشکل از پزشک، مشاور حقوقی و مددکار اجتماعی) حاضر شوند. امروزه مصرف هیچ نوع مواد مخدري در این کشور، جرم به حساب نمی‌آید و به مصرف‌کنندگان مواد مخدر خدماتی همچون دارودرمانی به جای دستگیری آن‌ها ارائه می‌شود. پرتغال با اختصاص منابع بیشتر به حوزه مواد مخدر، گسترش و بهبود برنامه‌های پیشگیری، درمان، کاهش آسیب و ادغام مجدد اجتماعی، سیاست جرم‌زدایی خود را در این زمینه تکمیل کرده است. علاوه بر کشور هلند و پرتغال، کشورهای سوئیس، یونان، آلمان، ایتالیا، اسپانیا و آمریکا نیز در این راستا با نگاهی بیمارگونه و درمانی و یا شخصی به مسئله مواد مخدر و اعتیاد به جای نگاه امنیتی، مجرمانه و سخت‌گیرانه، استعمال و مصرف شخصی تعدادی از مواد مخدر (از جمله ماری جوانا) را قانونی اعلام کرده‌اند. در بسیاری از کشورهای دیگر هم توزیع و فروش مواد با مجازات‌های خفیفی چون جزای نقدی مواجه است.

در آمریکا هم از جنبه‌هایی که در راهبردهای ملی کنترل مواد مخدر آمریکا مدنظر قرار گرفته، توجه به تحول نظام عدالت کیفری به منظور کارکرد موثر و منصفانه در رابطه با کنترل مواد مخدر است که برای توجه به قضازدایی سوءمصرف‌کنندگان مواد مخدر و درمان آنها، ارائه خدمات درمانی برای بزهکاران، استفاده از جایگزین‌های حبس، فراهم‌سازی فرصت شغلی برای افراد دارای سابقه کیفری و کاهش میزان مجازات از برنامه‌های ناظر به تحول نظام عدالت کیفری است. بنابراین رویه‌هایی در دستور کار قرار می‌گیرد که درمان و بازتوان‌سازی بزهکاران (به جای حذف و سرکوب آنها) در کانون توجه قرار می‌گیرد (موذن زادگان و فرجی، ۱۳۹۷، ص ۵۹). بدین ترتیب از تجربه موفق کشورهای یادشده می‌توان دریافت که مواد مخدر برای مصارف شخصی و در میزان‌های کم براساس احترام به حریم خصوصی، نیازمند کیفی‌های سخت نیست و باید از اقدامات اصلاحی و درمانی و اجتماعی به جای مجازات استفاده کرد. اما توزیع و فروش و قاچاق آنها به خصوص مواد پرخطر مانند روان‌گردان‌ها نیازمند برخورد کیفری متناسب و البته متعادل هستند.

سیاست جنایی قضایی در پیشگیری کیفری از مواد مخدر: سیاست جنایی قضایی یعنی نحوه استنباط و برداشت دستگاه قضایی از سیاست جنایی تقنینی و نحوه اعمال قوانین و مقررات مربوط که از اصل متغیر بودن تفسیر قواعد حقوق کیفری نشأت می‌گیرد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۹، ص ۱۶). فردی کردن واکنش کیفری عبارت است از تعیین نوع و میزان و نحوه تحمیل واکنش کیفری بر بزهکار، براساس مصلحت وی و جامعه (فلچر^۱، ۱۹۹۹، ص ۸۶). دستگاه قضایی نیز باید برای پیشگیری کیفری، اصل تناسب مجازات را در نظر بگیرد.

یکی از اجزاء قابل توجه اصل تناسب، درجه‌بندی کردن ضمانت‌اجراهای یک جرم برای پاسخ به تمام حالات جرم است به گونه‌ای که طیف متنوعی از پاسخ‌ها در دسترس مجریان قانون باشد. اگر پاسخ‌های کیفری دارای درجه‌بندی بوده و قاضی بتواند در صورت صرف نظر کردن از مجازات شدیدتر با یک درجه به مجازات سبک‌تری توسل جوید، بدون آنکه از بازدارندگی مجازات کاسته شده و ضمانت‌اجرای مدنظر خاصیت و ناتوان‌سازی خود را از دست بدهد، هم وجدان و روح و روان او از چنبره این احساسات و افکار فلج‌کننده رهایی می‌یابد و هم اهداف مقنن از وضع و اعمال مجازات‌ها برآورده شده و هم امنیت جامعه از رهگذر اعمال مجازات‌های متناسب حفظ می‌شود (فرجیها و فروزش، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، ص ۸۳-۸۲). قانونگذار ایران چنین اختیار و سازوکاری را برای تعدیل و تفرید مجازات‌های جرائم مواد مخدر به تناسب وضعیت مرتکب، نوع جرم و میزان شدت جرم برای قضات دادگاه‌ها مقرر نکرده است. ضمن اینکه قانون‌گذار در تبصره الحاق ماده ۴۵ به قانون مبارزه با مواد مخدر در سال ۹۶ نیز نهادهای ارفاقی را محدود کرده است.

قضات در عمل مجری قانون‌اند و هر آنچه قانون بگوید باید اجرا کنند اما در صدور آرای قضایی، نیروی دیگری نیز دخالت دارد. نیرویی که در مقابل جبر بیرونی قانون از ندای درونی بشر برمی‌خیزد و آن ندای درونی، وجدان دادرس است که از وی می‌خواهد رأی را با عدالت منطبق سازد، چه همواره قوانین عادلانه به نظر نمی‌رسند و با عدالت منطبق نیستند (گودرزی،

۱۳۸۱، ص ۲۷). در قانون مبارزه با مواد مخدر پیش‌بینی شده که حمل این مقدار مواد مخدر حکم اعدام را دارد، دادگاه‌ها هم برای آن حکم اعدام می‌دادند اما زیر حکمشان می‌نوشتند این شخص استحقاق اعدام را ندارد و از دادستان کل می‌خواستند که پرونده را به کمیسیون عفو و بخشودگی بدهند تا در مجازات آن تخفیف داده شود. این یعنی چنین مجازاتی قانونی است ولی مشروع نیست. پس در کنار قانون، مشروعیت لازم است این مشروعیت است که تناسب جرم و مجازات را به وجود می‌آورد (آزمایش، ۱۳۸۵، ص ۱۱).

رویه قضایی ایران در برخورد با مجازات اعدام، به ویژه در سال‌های اخیر از خود نرمش بیشتری نشان داده است. برای مثال از بین ۱۲۵ هزار پرونده مربوط به مواد مخدر که طی سال‌های اخیر بررسی شده است، ۲۰۰۰ فقره آن منجر به صدور حکم اعدام برای متهمان شده‌اند و این تعداد فقط نه دهم درصد پرونده‌های جامعه آماری یادشده را تشکیل می‌دادند. از این تعداد حکم اعدام نیز فقط دوازده درصد به اجرا گذاشته شده است و بقیه آنان یا مشمول عفو واقع شده و یا توسط دیوان عالی کشور نقض شده‌اند (ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۷۹، ص ۳۳). بنابراین درصد خیلی کمی از مجرمانی که طبق قانون مستحق اعدام هستند اعدام می‌شوند و این دلیل روشنی بر نبود همسویی رویکرد قضایی با رویکرد تقنینی (خواسته قانونگذار) به جهت وضع مجازات‌های شدید، غیرمتناسب و غیرعادلانه است.

به علاوه هر اندازه مجازات‌ها در موضوع قاچاق شدیدتر باشد، وسوسه ارتکاب قاچاق توسط سودجویان و حریصان افزایش می‌یابد به طوری که نحوه ارتکاب، به چگونگی حفاظت از مرزها و کاهش عرضه مواد در سطح جامعه بستگی دارد و در این قبیل پرونده‌ها، مصادره مواد مخدر و متعلقات قاچاق به عنوان مجازات صحیح و عادلانه است. با وجود غیرقابل انکار بودن وقوع جرم با توجه به مقدار زیان حاصل از ارتکاب جرم برای جامعه باید موانعی ایجاد کرد. بنابراین محرومیت از آزادی (یا پیش‌بینی کیفر حبس و تبعید)، ضبط و مصادره اموال، جزای نقدی، لغو پروانه اشتغال به کار و تعطیلی موسسه و محرومیت از حقوق اجتماعی نسبت به مرتکبان جرائم مواد مخدر قابل اعمال و موثر است (گلدوزیان، ۱۳۸۰،

ص ۲۳۰ و ۲۳۲). قضات پیش از آنکه حامی و مجری قوانین باشند انسان‌اند و به حکم طبیعت خود، میل دارند قانون را به گونه‌ای تفسیر کنند که با عدالت منطبق باشد. قاضی نماینده دولت است و به نام او تصمیم می‌گیرد ولی به عنوان «انسان» از محیط متأثر می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۶۶۵). بنابراین چنانچه مقنن کیفری در سیاست‌گذاری کیفری، این مهم را مدنظر قرار ندهد و مبادرت به پیش‌بینی مجازات اعدام برای رفتاری کند، در عمل شاهد آن هستیم که این مجازات در عمل مورد استفاده قضات قرار نگرفته و قضات با واقع‌بینی سعی در جبران و تعدیل قواعد سختگیرانه این قانون و همسویی با افکار عمومی دارند. این امر باعث خواهد شد بنا به دلایل عدیده، اصول حتمیت و قطعیت اجرای مجازات‌ها که مهمترین عامل بازدارندگی است، تا حد زیادی جایگاه خود را از دست بدهد (حسینی، سلطانی و صفری، ۱۳۹۸، ص ۱۷۰).

در سال‌های اخیر تبعیت نکردن سیاست جنایی قضایی از سیاست جنایی تقنینی به این معناست که قانونگذار در وضع قانون به بیراهه رفته است. اگر قانونگذار در یک اتاق شیشه‌ای و بدون توجه به واقعیات جامعه، اقدام به تصویب قانون کند و تنها با وضع مجازات بسیار سنگین و بدون توجه به علل و فقط با توجه به معلول‌ها قانونگذاری کند و خیال کند که با اعدام چند نفر قاچاقچی که خود معلول به شمار می‌آیند و نه علت، می‌توان به حل مشکل پرداخت راه اشتباهی انتخاب کرده است (رحمدل، ۱۳۸۶، ص ۱۷۸). بدین ترتیب مجازات‌های مقرر در قانون باید به گونه‌ای باشد که رویه قضایی و قضات هم‌مایل به اجرای آنها باشند. اگر مجازاتی مانند اعدام برای جرمی چون مواد مخدر مقرر شود، به دلیل تمایل نداشتن قضات به اجرای آنها، میان سیاست جنایی تقنینی و سیاست جنایی قضایی فاصله و ناهماهنگی رخ داده و هم قانون و هم عملکرد دستگاه قضایی ارزش و کارایی و رسالت خود را از دست خواهند داد.

جایگاه اصول حتمیت و قطعیت مجازات در پیشگیری کیفری از جرائم مواد مخدر: آیا هرچه مجازات شدیدتر باشد بازدارنده نیز هست؟ واقعیت این است که این‌گونه نیست،

گاهی اوقات شدت مجازات نه تنها بازدارندگی بیشتری ندارد بلکه برعکس اثر معکوسی برجا می‌گذارد زیرا وقتی مجازات شدید و سخت باشد، مقامات قضایی حاضر به اعمال آن نیستند که اثر نهایی آن به خاطر پایین آوردن احتمال مجازات، تضعیف آن است (یزیدیان جعفری، ۱۳۹۱، ص ۸۴). ضمن اینکه پژوهش‌ها نشان می‌دهند یکی از دلایل کاهش تأثیر بازدارنده شدت مجازات، این است که مردم بیشتر مجازات‌ها را کمتر از آنچه که به طور واقعی شدید هستند ارزیابی می‌کنند (وان هیرش، ۱۹۹۹).

به نظر می‌رسد نکته قابل توجه در نظریه پیشگیری عام مثبت، توجه به جنبه‌های مفید و کاربردی هر دو دیدگاه سزاگرا و فایده‌گرا است. از یک‌سو، لزوم دستیابی به هدف بازدارندگی از ارتکاب جرم و کاهش نرخ ارتکاب جرم به عنوان یکی از اهداف هر نظام عدالت کیفری مدنظر قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، برای رسیدن به این مقصود، فقط بر تهدید و ارعاب حاصل از اعمال مجازات یا تهدید به آن اکتفا نمی‌شود بلکه با پذیرش ضرورت اعمال مجازات‌های متناسب در چارچوب تقصیر مجرم و ضرر و زیان ناشی از عمل مجرمانه، با ارضاء حس عدالت‌خواهی افراد جامعه از طریق اجتناب از تحمیل مجازات‌های نامتناسب، به تقویت هنجارهای قانون‌پذیری افراد جامعه کمک می‌کند و این موضوع نیز در نهایت موجب کاهش ارتکاب جرم می‌شود (الهام و محمدی، ۱۳۹۱، ص ۶۲ و ۷۱). بررسی‌های علمی روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان نشان داده است که شدت و سخت‌گیری در سیاست‌های مبتنی بر سرکوب، چنانچه به طور دائمی و در طول زمان صورت پذیرد و جنبه برنامه‌ریزی شده و زمان‌بندی مشخصی نداشته باشد، اثر بازدارندگی خود را از دست می‌دهد (باصری، ۱۳۸۶، ص ۱۲۱).

اصول حتمیت و قطعیت اجرای مجازات‌ها که از ایده‌های سزار بکاریا در کتاب رساله جرائم و مجازات‌ها هست، به این معنی است که مردم و به ویژه مجرمان باور قطعی داشته باشند که هرکس مرتکب جرمی شود بدون تردید و به صورت حتمی، طی حکم قطعی غیر قابل نقض، به مجازات خواهد رسید.

به منظور رعایت قانونگرایی و مساوات مطلق، سیاست جنایی مطلوب آن است که برای عمل ارتكابی یک مجازات از میان کمینه و بیشینه پیش‌بینی شده در قانون انتخاب شود با این اندیشه که چنین عمل ارتكابی باید با یک کیفر حتمی و قطعی روبرو شد (لازرژ، ۱۳۷۵، ص ۹۳). حتمی بودن عقوبتی حتی معتدل، همیشه تأثیر شدیدتر از ترس از مجازاتی موحش که امید‌رهایی در آن راه دارد، به‌جا می‌گذارد.

در کلیه نظام‌های حقوقی، مجازات‌طردکننده علیه جرائمی به‌کار برده شده که شدت‌شان آن‌چنان بوده که مکافات ناپذیر به نظر می‌رسیده‌اند و تحمیل یک ضمانت‌اجرای کیفری شدید درباره آنها به منظور پاسداری از نظم عمومی، ضروری به نظر آمده است. این مجازات زمانی که کوشش‌های انجام‌شده به منظور انطباق‌پذیر ساختن مجدد اجتماعی بزه‌کار با شکست روبرو شده است اعمال می‌شود. ولی این نوع کیفر، تنها روش رسیدن به این هدف نیست و چنین مجازات‌هایی (اعدام و حبس ابد) در عمل به لحاظ عفو‌هایی که دیر یا زود به محکومان اعطا می‌شوند از میان رفته‌اند. بنابراین اجرای این مجازات‌ها نباید این امکان را از نظر دور بدارد که چنین محکومی روزی می‌تواند دوباره به جامعه بازگردانده شود (برنار، ۱۳۷۷، ص ۲۶ و ۲۷). به‌جای تأکید در استفاده از کیفرهای بدنی سنگینی که تاکنون موثر واقع نشده است باید دست‌اندرکاران مواد مخدر را در مقابل دو امر حتمیت و قاطعیت در امور کیفری قرارداد تا از ارتکاب جرم منصرف شوند. حتمیت در کشف جرم و قاطعیت در اجرای کیفر متناسب با قبح و زیان اجتماعی جرم حتی به مقدار کم (گلدوزیان، ۱۳۸۰، ص ۲۳۰). به جرات می‌توان گفت در نظام قضایی ایران، اصول حتمیت و قطعیت اجرای مجازات اعدام، بنا به دلایل عدیده از جمله استفاده بی‌ضابطه از نهادهای عفو خصوصی، آزادی مشروط، تخفیف و تعلیق مجازات، کندی سرعت عادلانه دادرسی‌های کیفری، امکان اعمال نفوذ در کادر قضایی و انتظامی، تمایل نداشتن بسیاری از قضات به اجرای مجازات‌های شدید و سعی در توسل به نهادهای یادشده تا حد زیادی جایگاه خود را از دست داده و موجب عقیم ماندن مجازات اعدام شده است.

اثر ارعابی و بازدارندگی فقط در زمانی بروز و ظهور خارجی می‌یابد که مجازات تعیین شده درباره مرتکب حتماً اجرا و اعمال شود بنابراین قابل اجرا نبودن کیفر می‌تواند در طول زمان باعث زائل شدن اثر بازدارندگی کیفر و در نتیجه زوال مشروعیت آن و حتی نظام کیفری شود (صفاری، ۱۳۸۴، ص ۱۴۱). پژوهشگران بازدارندگی مجازات‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که «حتمیت یا قطعیت مجازات بسیار بیشتر از شدت آن بازدارنده است و نتایج فراقانونی جرم حداقل به اندازه همان نتایج قانونی آن بازدارنده است» (ناجین و پاگراسکی، ۲۰۰۱).

نگارندگان به تجربه به این مهم دست یافته‌اند که متهمان بر این باور بودند که درباره متهمان قبل از آنها به‌رغم صدور محکومیت قطعی، مجازات اعدام یا حبس ابد در اثر نقض حکم در دیوان عالی کشور یا دادستانی کل کشور و یا اعمال عفو خصوصی اجرا نشده است و جالب اینکه خود متهمان در ادامه به این باور خودشان (نقض مجازات‌های اعدام و حبس ابد) می‌رسیدند و محرز است که خیلی از احکام اعدامی که به طور صحیح صادر شده، در نهایت نقض یا مشمول عفو یا تخفیف شده‌اند. بدین ترتیب قانون مبارزه با مواد مخدر به لحاظ تعدیل نسبی شدت آن در رویکرد قضایی، کارآیی و اثر بازدارندگی خود را از دست داده است و بسیاری از مجرمان مواد مخدر بعد از تحمل مجازات، دوباره مرتکب تکرار جرم شده‌اند و این دلیل روشنی بر شکست جدی سیاست کیفری مقنن در وضع مجازات اعدام است.

ضرورت توسل به جایگزین‌های مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر: قانونگذار بعد از انقلاب هر زمان که به تصورش با مشکل تعیین مجازات اعدام مواجه بوده است به صبغه مذهبی متوسل شده و به عبارتی از قبیل مفسد فی الارض یا محارب تمسک جسته است (رحمدل، ۱۳۸۳، ص ۷۰). اگر این نظریه (بازدارندگی مجازات اعدام) کارایی داشت باید تحمیل مجازات‌های سنگین به مجرمان، مانع تکرار جرم می‌شد و کسانی که به مجازات‌های خفیف‌تری محکوم می‌شوند نرخ تکرار جرم در میان آنها بیشتر می‌شد.

ناتوان‌سازی یا سلب توان بزهکاری بیشتر بر این استدلال مبتنی است که هدف ارعابی یا اصلاحی مجازات درباره برخی مجرم‌ها کارگر نیست درواقع هدف از سلب حقوق و توانایی فرد بزهکار، به‌عنوان یک اهرم کیفری تضمین این امر است که با خارج از دور کردن مجرم، دیگر مرتکب جرم نشود (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۵). یکی از مصادیق بارز ناتوان‌سازی، مجازات اعدام است؛ بنابراین آیا می‌توان گفت غیر از مجازات اعدام، مجازات دیگری درباره مجرمی که برای بار اول مرتکب جرم شده است کارساز نیست با وصف اینکه مجازات دیگر درباره وی اعمال نشده تا مشخص شود که فایده‌مند بوده است یا نه. بنابراین گزینه مجازات اعدام درباره چنین مجرمی به صورت جدی محل تأمل و تردید است. حداقل شاید اجرای قانون موسوم به سه ضربه درباره تکرارکنندگان جرم قابل توجیه باشد ولی درباره سایر مجرمان که برای بار اول و شاید به صورت اتفاقی به ارتکاب جرم دست زده‌اند به طور کامل ناعادلانه و نامتناسب جلوه می‌کند.^۱ به قول «گسن» تشخیص حالت خطرناک، هم به لحاظ بالینی به استفاده از اقدامات الزام‌آور غیرموجه برای آزادی فردی منجر می‌شود و هم به لحاظ آماری با خطا توأم است (گسن، ۱۳۷۰، ص ۵۷). بنابراین باوجود چنین انتقاداتی، باید در اعمال نظریه ناتوان‌سازی به ویژه توسل به اعدام، محتاطانه عمل کرد.

با توجه به آمار فزاینده جرائم مواد مخدر در سال‌های قبل، مجازات اعدام از نظر شدت، تطابق نداشتن با میزان قبح اجتماعی، تناسب نداشتن و ناعادلانه بودن آن، فاقد بازدارندگی کافی بوده است. در طول ۴۱ سال گذشته، قانونگذار به شدیدترین شکل ممکن با وضع مجازات‌های سنگین بدون توجه به معضل اجتماعی آنها به جنگ با جرائم مواد مخدر رفته است ولی این جنگ شدید و نابرابر به رغم صرف هزینه‌های سنگین مالی و جانی، حاصل مطلوب را در پی نداشته است. «یک کشور با به‌کارگیری زبان جنگ علیه مجرمان، در عمل

۱. در آمریکا طبق این قانون پس از دو بار محکومیت به خاطر جنایت، ارتکاب جرم در بار سوم مواجه با حبس ابد است و چنین مجرمی خطرناک تشخیص داده شده و باید از جامعه طرد شود.

علیه خود اعلام جنگ کرده است» (وینفری ال، ۱۳۸۸، ص ۳۴۵). حتی با گذشت نه سال از تصویب سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر که در سال ۸۵ توسط مقام رهبری ابلاغ شد، کمترین اهداف منظور برآورده نشده است.

از لحاظ آموزه‌های اسلامی هم حق حیات جز درباره جرائم و مجازات‌های منصوص قصاص و حدود که جرائم قاچاق مواد مخدر مصداق هیچکدام از آنها نیست، سلب شدنی نیست. با وجود کیفر اعدام، از وقوع جرائم مواد مخدر کاسته نشد بلکه دستگیری‌ها و آمار کشف مواد افزایش یافت که حکایت از شکست در تامین هدف ارعایی اعدام نیز می‌کند. به همین دلیل قانونگذار برای مبارزه با مواد مخدر نباید فقط به فکر استفاده از سلاح مجازات آن هم به شدیدترین نحو ممکن باشد بلکه باید به رفع عوامل جرم‌زا، بیشتر توجه شود. از طرف دیگر، احکام اعدام در جرائم مواد مخدر منجر به محکومیت ایران در مجامع بین‌المللی نیز شده است (پوربافرانی و مسائلی، ۱۳۹۶، ص ۱۵۰). بنابراین کیفر اعدام در چنین جرائمی مصلحت نظام را هم تامین نمی‌کند.

جرائم مرتبط با مواد مخدر، اعم از آن‌که مربوط به فرایند قاچاق و عرضه باشد یا مصرف و اعتیاد، از جرائم و گناہانی نیست که در نصوص فقهی و احکام اسلامی برای آن‌ها حدود خاص، معین شده باشد. قانونگذار می‌تواند با توجه به ویژگی‌های مرتکب، اوضاع و احوال ملی و بین‌المللی، مقتضیات زمان و ارزش‌های فرهنگ اجتماعی، در راستای اهداف اصلاح مجرم و عبرت‌آموزی دیگران، مجازات‌های متناسب، پیشگیرانه و بازدارنده، حتی براساس عدالت ترمیمی برای آن مقرر کند و مجازات اعدام را به موضوعاتی محدود کند که از مصادیق واقعی و قطعی افساد فی‌الارض بوده و یا مجازات‌های دیگر بازدارنده نباشند. نمی‌توان گفت مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر الزاماً یک کیفر شرعی و حدی محسوب می‌شود تا قابل اصلاح و تغییر نباشد زیرا قدر متقن از تفاسیر فقها، کیفر اعدام صبغه حکومتی داشته و مشمول مجازات‌های بازدارنده قرار می‌گیرد.

البته بعضی از فقها مجازات اعدام را درباره قاچاقچیان مواد مخدر به شرط شیوع و انتشار

آن متصف به افساد فی الارض دانسته‌اند. همان‌طور که شورای عالی قضایی وقت نیز چنین نظری داشته است. به ظاهر چنین تفسیری با آنچه در قانون مجازات اسلامی درباره افساد فی الارض (ماده ۲۸۶) مقرر شده نیز همخوانی و همسویی دارد، در غیر این صورت اکثر مصادیق اعدام در جرائم مواد مخدر، به لحاظ عدم اتصاف به شیوع و انتشار، صبغه حدی و شرعی ندارد و مشمول احکام سلطانیه است. بنابراین بدون شک، امکان تجدیدنظر در مجازات اعدام و توسل به مجازات‌های جایگزین که کارا و مفید باشد وجود دارد و مغایرتی با موازین شرعی ندارد. نگرش شرعی و امنیتی قانونگذار به مقوله جرائم مواد مخدر با توجه به اینکه معضل اجتماعی آن (نه معضل نظام) در واقع تجربه شده است، از ابتدا مبتنی بر اشتباه بوده و شاید ارجاع سیاست تقنینی جرائم مواد مخدر به مجمع تشخیص مصلحت ناشی از این نگرش بوده است.

افزون بر افزایش انتقادات به مبانی توجیه کننده اعدام، اهداف کیفرشناسانه‌ای که با چنین مجازاتی دنبال می‌شد، سرایی بیش نبود و نتایج با آنچه انتظار می‌رفت سازگار نیست. تاریخ مجازات اعدام برای بزهکاران مواد مخدر در ایران بیانگر این مطلب است که این مجازات نوعی واکنش احساسی ناشی از خشم جامعه و نشأت گرفته از فضای ملتهب سیاسی و اجتماعی بود. زیرا در سال‌های قبل، قاچاقچی مواد مخدر به عنوان یک غیر خودی و دیگری نگریسته می‌شد. اما در گذر زمان و با تغییرات اجتماعی و فرهنگی و دور شدن از فضای جنگ تحمیلی و پیشرفت دولت و تقویت پژوهش‌های علمی، چنین مجازاتی از سوی نخبگان جامعه و کارگزاران عدالت کیفری محل تردید قرار گرفت (جوان جعفری و اسفنداری بهرآسمان، ۱۳۹۷، ص ۱۵۰-۱۵۲).

همچنین توسل به مجازات اعدام درباره مجرمان مواد مخدر علاوه بر پیامدهای اجتماعی و بین‌المللی آن، در مواقعی که صبغه شرعی آن مطرح شده، موجب تضعیف اسلامی بودن قوانین کشور نیز شده است. ضمن اینکه اجتناب‌ناپذیر بودن امکان وجود اشتباهات قضایی در صدور احکام اعدام، جبران آن را غیرممکن می‌کند. مجازات اعدام در مواقع لزوم باید

متوجه دانه درشت‌ها و کسان‌ی باشد که به صورت عمده یا سازماندهی شده یا مسلحانه، مرتکب قاچاق شده و درآمد کلان ناشی از تجارت مواد مخدر دارند. البته سیاست کیفری درباره خرده‌پاها، باید به نحوی ترسیم شود تا آنها به این باور قطعی برسند که دخالت در مواد مخدر نتیجه‌ای جز مجازات زندان یا جزای نقدی چند برابر به دنبال نخواهد داشت و این مهم فقط از طریق رعایت اصول حتمیت و قطعیت مجازات میسر خواهد بود.

درباره مجازات‌های جایگزین اعدام به نظر می‌رسد تعیین حبس متناسب برای بعضی از جرائم به نحوی که مجموعه دستگاه عدالت کیفری بدون ضابطه و معیار به نهادهای ارفاقی مثل عفو یا تخفیف متوسل نشوند و همچنین وضع جزای نقدی متناسب و مصادره اموال ناشی از جرم و حتی محروم شدن از حقوق اجتماعی کارساز است، البته به شرطی که اصول حتمیت و قطعیت مجازات‌ها مغفول نماند و مجرمان مواد مخدر نتوانند بدون دلیل و ضابطه از نهادهای ارفاقی استفاده کنند زیرا امید به فرار از مجازات و امکان شمول عفو در تمام مراحل فرایند کیفری منجر به سلب بازدارندگی و کارآیی مجازات خواهد شد. گفتنی است قانونگذار با الحاق ماده ۴۵ به قانون مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۹۶، به حق و منطقی با حذف مجازات اعدام و حبس ابد از قسمت عمده جرائم مواد مخدر و محدود کردن آن به جرائم خاص متصف به اعمال مشدده، گام مهمی در راستای حذف مجازات اعدام و جایگزین کردن حبس‌های مدت‌دار برداشته که از این نظر امیدوارکننده است. به نحوی که درباره مجازات‌های اعدام، حبس درجه یک تا سی سال و جزای نقدی درجه یک تا دو برابر حداقل آن و درباره حبس ابد، حبس و جزای نقدی درجه دو جایگزین شده است.

با این حال، این اصلاح قانون دستاورد خاصی برای حوزه کنشی و سیاست کیفری پیشگیرانه نداشته است. بررسی دقیق ماده ۴۵ الحاقی بیانگر آن است که در مواقعی سختگیری و شدت عمل کیفری براساس این ماده بیشتر و نمایان‌تر شده است. گسترش جهات مشدده قانونی و عینی و کاهش گسترده بهره‌مندی از نهادهای ارفاقی، از موضوعاتی است که نیم‌رخ سختگیرانه ماده الحاقی را بیشتر از جنبه‌های تعدیل‌گرایانه آن نشان می‌دهد.

طبق این ماده، هرگونه مقابله با ماموران و استفاده از هرگونه سلاح موجب اعدام است. مشروعیت بخشی به کیفر اعدام در پرتو مجازات مفسد فی الارض نیز از دیگر چالش‌های این ماده است. همچنین تشدید مجازات معاون و گسترش دامنه اثرگذاری سوابق کیفری مرتبط و تسری مجازات حامل سلاح به سایر شرکا هم از چالش‌ها و ایرادات ماده الحاقی است (موسوی مجاب، احمدزاده و رستمی، ۱۳۹۹، ص ۱۶۰-۲۵۰) که موجب شده کیفر اعدام در بسیاری مواقع همچنان باقی بماند. بنابراین رفع این ایرادات توسط قانونگذار ضروری است.

بحث و نتیجه‌گیری

پیشگیری کیفری در مرحله تقنین از طریق تعیین نوع مجازات و پیش‌بینی کمینه و بیشینه آن و اعطای اختیار به قضات برای استفاده ضابطه‌مند از تاسیسات ارفاقی نظیر تخفیف، تعلیق و آزادی مشروط توسط مقنن و در مرحله دادرسی توسط قضات دادگاه‌ها از طریق انتخاب و تخصیص مجازات متناسب با وضعیت مرتکب اعمال می‌شود که مرحله اول را فردی کردن تقنینی و مرحله دوم را فردی کردن قضایی می‌نامند. قانونگذار ایران در طول چند دهه گذشته در جرائم مواد مخدر با هدف بازدارندگی فردی و عمومی از طریق توسل به مجازات‌های شدید، اصل تناسب مجازات را مرعی نداشته است. این در حالی است که بسیاری از کشورها امروزه سیاست کیفری سخت‌گیرانه را در برخورد با جرائم مواد مخدر کنار گذاشته و با رویکردهای اصلاحی و درمانی همراه با رعایت احترام به حریم خصوصی، با مواد مخدر برخورد معتدل کرده و حتی برخی کشورها چون پرتغال مسیر جرم‌زدایی را از مواد کم خطر در پیش گرفته‌اند.

واضعان قانون مبارزه با مواد مخدر توجه چندانی به معیارهای تناسب مجازات و سایر یافته‌های کیفرشناسی نداشته و سیاست مبتنی بر سرکوب را در پیش گرفته‌اند، شدت مجازات در تاریخ تحولات حقوق کیفری و مطالعات میدانی و تجربی در جرم‌شناسی بیانگر

آن است که نظریه بازدارندگی مجازات از طریق تشدید مجازات به لحاظ کم‌توجهی به اصل تناسب، در عمل عقیم مانده است. قانون کیفری نباید از محدوده عدالت و تناسب خارج شود تا چنانچه به اهداف منظور نرسد کمینه، اتصاف به عدالت و مشروعیت را حفظ کند. تردید قضاات در اجرای آن و سعی در توسل به نهادهای عفو یا تخفیف، فقدان مشروعیت مجازات اعدام را تأیید می‌کند.

تمایل نداشتن قضاات به صدور احکام سنگین به ویژه اعدام، توسل بی‌حد و حصر به نهادهای عفو خصوصی و تخفیف مجازات و نمونه‌های عدیده نقض احکام اعدام توسط رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور و در نتیجه اجرانشدن بسیاری از احکام اعدام در سال‌های گذشته، از عواملی است که اصل حتمیت یا قطعیت مجازات را به شدت متزلزل کرده است. بنابراین، امکان تجدیدنظر در مجازات اعدام و تعدیل آن از طریق متناسب‌سازی یا توسل به مجازات‌های جایگزین که کارا و مفید باشد وجود دارد و با موازین شرعی نیز مغایرتی ندارد. ضمن اینکه اجتناب‌ناپذیر بودن اشتباهات قضایی در صدور احکام اعدام، لزوم اصلاح آن را بیشتر می‌کند. البته قانون‌گذار این مسیر را تا حدودی در قانون الحاق ماده ۴۵ به قانون مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۹۶ در پیش گرفت اما به نظر می‌رسد سیاست تقنینی در این خصوص باید به ویژه در مواد کم‌خطر و یا در مصارف شخصی، بیشتر تعدیل و ارفاق‌آمیز و مجازات اعدام از این جرائم حذف شود.

هرچند برخورد یکسان قانونگذار با کسانی که از سر استیصال به سراغ مواد مخدر می‌روند در مقایسه با کسانی که گردش بالای مالی آنها ناشی از مواد مخدر است، برخلاف اصل تناسب مجازات و عدالت استحقاقی است. با این وصف، امروزه حذف مجازات اعدام در تمام جرائم مواد مخدر و جایگزینی حبس‌های طولانی مدت به جای آن حتی در پرونده‌های خاص از قبیل سرکردگی، قاچاق مسلحانه، تکرار جرم برای بار سوم یا چهارم و ارتکاب جرائم مواد مخدر در حد عمده و وسیع، ضروری و مفید به نظر می‌رسد. بنابراین حتی در این جرائم هم به جای اعدام، باید کیفر حبس، مدنظر قانونگذاران قرار گیرد.

منابع

- آزمایش، علی. (۱۳۸۵). تناسب جرم و مجازات و تخلفات انتظامی سردفتران، متن سخنرانی. ماهنامه کانون، (۶۸)، صص ۷-۱۷.
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۳). حقوق بین‌المللی کیفری. گزیده مقالات. چاپ اول. تهران: نشر میزان.
- احسان‌پور، سیدرضا و احسان‌پور، سیدمحمد رضا. (۱۳۹۵). توجیهات جرم‌زدایی از مصرف مواد مخدر آرام، مطالعه تطبیقی در حقوق کیفری هلند و ایالات متحده آمریکا. فصلنامه حقوق پزشکی، ۱۰(۳۹)، صص ۱۷۱-۱۹۹.
- اکبری، عباسعلی. (۱۳۹۳). بررسی و نقد سیاست جنایی حاکم بر جرائم مواد مخدر در ایران با تأکید بر اصلاحیه سال ۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱(۲)، صص ۷-۳۴.
- اکبری، عباسعلی. (۱۳۹۳). جستاری در آسیب‌شناسی سیاست جنایی حاکم بر جرائم مواد مخدر. فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، ۱(۲)، صص ۹۷-۱۱۴.
- احمدی اهری، محمدعلی. (۱۳۷۷). اسلام و دفاع اجتماعی. چاپ اول. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- الهام، غلامحسین و محمدی، فاطمه. (۱۳۹۱). مجازات متناسب از دیدگاه نظریه‌های بازدارندگی (با تأکید بر نظریه تعیین کیفر آلمان). فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳(۳)، صص ۵۷-۷۲.
- باصری، علی‌اکبر. (۱۳۸۸). سیاست جنایی داخلی و بین‌المللی مواد مخدر. چاپ اول. تهران: نشر خرسندی.
- برنار، بولک. (۱۳۷۷). کیفرشناسی. علی حسین نجفی ابرندآبادی، مترجم. چاپ دوم. تهران: انتشارات مجد.
- بکاریا، سزار. (۱۳۷۷). رساله جرائم و مجازات‌ها. محمدعلی اردبیلی، مترجم. چاپ سوم. تهران: نشر میزان.
- پرادل، ژان. (۱۳۸۷). تاریخ اندیشه‌های کیفری. علی حسین نجفی ابرندآبادی، مترجم. چاپ ششم. تهران: انتشارات سمت.
- پوریافرانی، حسن و مسائل، امین. (۱۳۹۶). تحلیل کیفرشناختی مجازات اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر. فصلنامه مجلس و راهبرد، ۲۴(۹۱)، صص ۱۴۱-۱۶۴.
- پیکا، ژرژ. (۱۳۷۰). جرم‌شناسی. علی حسین نجفی ابرندآبادی، مترجم. تهران: نشر دانشگاه شهید بهشتی.
- حسین‌زاده محمدجعفر و رحیمی‌نژاد، اسماعیل. (۱۳۸۷). مجازات‌های نامتناسب: مجازات‌های مغایر با کرامت انسانی. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۳۸(۲)، صص ۱۱۵-۱۳۴.
- حسینی، سید محمد. (۱۳۸۳). سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.

حسینی، سیدحسین؛ سلطانی، محمد و صفری، صادق. (۱۳۹۸). تأثیرات عدم هم‌سویی سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در نگرش متهمان و محکومین جرائم مواد مخدر. مجله حقوقی دادگستری، ۸۳(۱۰۶)، صص ۱۶۹-۱۹۳.

جوان جعفری، عبدالرضا و اسفندیاری بهرآسمان، محمدصالح. (۱۳۹۷). نگرشی جامعه‌شناسانه بر تحولات مجازات اعدام نسبت به مجرمان مواد مخدر. پژوهش حقوق کیفری، ۷(۲۴)، صص ۱۲۵-۱۵۷.

دلماش مارتی، می‌ری. (۱۳۸۱). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی. علی حسینی نجفی ابرندآبادی، مترجم. چاپ اول. تهران: نشر میزان.

رحمدل، منصور. (۱۳۸۳). سیاست جنایی ایران در قبال جرائم مواد مخدر. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.

رحمدل، منصور. (۱۳۸۶). سیاست جنایی ایران در قبال جرائم مواد مخدر. تهران: انتشارات سمت.

جمعی از نویسندگان. (۱۳۷۹). سالنامه آماری ستاد مبارزه با مواد مخدر. تهران: دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری.

صفاری، علی. (۱۳۸۴). کیفرشناسی و توجیه کیفر از کتاب علوم جنایی (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقاء دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران). کمیته معاضدت قضایی ستاد مبارزه با مواد مخدر. تهران: نشر سلسبیل.

فروزش، روح الله و فرجیها، محمد. (۱۳۹۱ و ۱۳۹۲). رویکرد اصل تناسب به مجازات قتل عمد در فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران. فصلنامه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی بناب، ۵(۱۴-۱۵)، صص ۶۵-۸۵.

فلاحی، احمد. (۱۳۹۴). اصل ضرورت در جرم‌انگاری و محدودیت‌های وارد بر دخالت کیفری در مصرف مواد مخدر. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۶(۱)، صص ۲۱۷-۲۴۰.

گسن، ریموند. (۱۳۷۰). جرم‌شناسی کاربردی، مهدی کی‌نیا، مترجم. چاپ اول. تهران: نشر مترجم.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۷). فلسفه حقوق. جلد اول. چاپ اول. تهران: شرکت سهام انتشارات.

کاوادینو ام، دیگلنن جی. (۱۳۸۴). توجیه یا دلیل آوری مجازات. علی صفاری، مترجم. مجله تحقیقات حقوقی، ۴۲(۲)، صص ۲۸۷-۳۲۴.

گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۰). سیاست جنایی در قبال مواد مخدر. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۵۱(۵)، صص ۲۲۹-۲۳۲.

گودرزی، محمدرضا. (۱۳۸۱). نقدی بر سیاست جنایی دولت در مبارزه با مواد مخدر. مجله اصلاح و تربیت، ۲۱(۲)، صص ۲۶-۲۹.

لازرژی، کریستین. (۱۳۷۵). سیاست جنایی. علی حسین نجفی ابرندآبادی، مترجم. چاپ اول. تهران: موسسه نشر یلدا.

- محمدنسل، غلامرضا. (۱۳۹۳). کلیات پیشگیری از جرم. چاپ اول. تهران: نشر میزان.
- محمودی جانکی، فیروز و مرادی حسن آبادی، محسن. (۱۳۹۰). افکار عمومی و کیفرگرایی. مجله مطالعات حقوقی، ۳(۲)، صص ۱۷۵-۲۱۴.
- محمودی جانکی، فیروز و روستایی، مهرانگیز. (۱۳۹۲). توجیه مداخله کیفری؛ اصول و ضرورت ها. پژوهش حقوق کیفری، ۱(۳)، صص ۳۵-۶۶.
- موسوی مجاب، سید درید؛ احمدزاده، رسول و رستمی، سینا. (۱۳۹۹). واکاوی سیاست جنایی قانون‌گذار در ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر. آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۷(۱۹)، صص ۲۴۹-۲۷۲.
- موزن‌زادگان، حسنعلی و فرجی، محمد. (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی سیاست جنایی ایران و آمریکا در برابر مواد مخدر. آموزه‌های حقوق کیفری، ۱(۶)، صص ۳۹-۶۹.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۷۹). جزوه مباحثی در علوم جنایی (تاریخ تحولات حقوق کیفری). دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشمی‌گی، حمید. (۱۳۷۷). دانشنامه جرم‌شناسی. چاپ اول. تهران: نشر دانشگاه شهید بهشتی.
- نوبهار، رحیم. (۱۳۸۰). به سوی مجازات‌های هر چه انسانی‌تر. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن‌ها. چاپ اول. قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- وینفری ال، توماس. (۱۳۸۸). نظریه‌های جرم‌شناسی. رضا افتخاری، مترجم. انتشارات دانشگاه آزاد واحد گناباد.
- یزدیان جعفری، جعفر. (۱۳۹۱). چرایی و چگونگی مجازات. چاپ اول. تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- Fletcher, George, p. (1999). Basic concepts of legal thought, New York: Oxford university press.
- Nagin, D. and Pagarasky, G. (2001). Integrating celerity, impulsivity and extra legal sanction threats into model of general deterrence: theory and evidence. *criminology*, 39(4), pp 865-892.
- Von Hirsch, Andrew. (1981). desert and previous convictions. In principle sentencings on theory & policy, (eds) Andrew von Hirsch & Andrew Ashworth. second Edition. Hart publishing oxford.
- Von Hirsch. (1999). Criminal deterrence and sentence severity: an analysis of resent research. Oxford Publishing.
- Wood, Bailx. (1997). Utilitarianism, Institutions and justice. Jomes New York: Oxford university press.